

دلم به بودنت قرص است حتی از پشت ابرهای غیبت

مریم زاهدی

چاردیواری

همین که دلم به بودنت قرص است کافی است؛ این که می دانم مرا می بینی و می شناسی و به نام صدایم می کنی.

مولای من راستش را بخواهی جمعه ها خیلی به من سخت می گذرد. همه دلتنگی های دنیا یک طرف و دلتنگی غروب جمعه یک طرف دیگر.

اصلا دلتنگی جمعه ها با دلتنگی های دیگر زمین تا آسمان فرق می کند.

دلتنگی ندیدن و نرسیدن، دلتنگی وعده ای که محقق نشده و انتظاری که بیش از حد طولانی شده است.

مولاجان وقتی می گویند جمعه ها و دوشنبه ها کارنامه اعمال مان را به شما نشان می دهند و گاهی قلب شما از اعمال و رفتار ما به درد می آید، قلبم فشرده می شود.

خجالت می کشم از بودنم برای شما!

آقاجان، مرا ببخش که عاشق شایسته ای نیستم.

مرا ببخش که از شیعه بودن فقط مهر شما را در دل و جان دارم.

مرا ببخش که گاهی قلبت را به درد می آورم و نیستم آن کسی که باید باشد!

مرا ببخش که وقتی نامم را بر زبان می آوری دلگیری از من اما وقتی نامت را بر زبان می آورم که از دنیا و مافی ها دلم تنگ است و جز درگاه مهرت هیچ ملجأ و پناهگاهی ندارم.

و شما با تمام روسیاهی و گناهکاری ام، من را می پذیری و دستان پرمهرت را بر سرم می کشی و بر روسیاهی ام چشم می پوشی.

مولاجان یک نیمه شعبان دیگر هم گذشت و آه و حسرت و درد نبودنت سینه های مان را به درد آورد.

آقای من، بس نیست این همه دوری؟

می دانم که خورشید و جودت از پشت ابرهای غیبت مرا می پاید و همیشه هوایم را داری.

که اگر دست پرمهر و نگاه مهربان شما نبود بی تردید به هلاکت می رسیدم.

آقاجان، دست هایم روبه آسمان بلنداست و چشمانم از حسرت نبودنت دریا شده و دلم در انتظارت آنچنان تنگ است که می خواهد از قفس سینه ام بیرون برزد و خودش را به کوی محبت شما برساند!

ای آخرین ذخیره الهی و ای وعده تضمین شده حق، دعای مان کن که ظهورت و حضور منتهاالیه سعادت همه ما زمینی هاست.

اللهم عجل لولیک الفرج

درنگ



گفت وگو

گزارش

دیباجه

اینفو



شرایط پیدایش توبه

اولا این را بدانید که اگر در وجود انسان کاری بشود که آن عناصر مقدس وجود انسان بکلی از کار بیفتد، یک زنجیرهای بسیار نیرومندی به آنها بسته شده باشد که نتوانند آزاد بشوند، دیگرانسان توفیق توبه پیدا نمی کند. ولی همان طوری که در یک کشور آن وقت انقلاب می شود که عده ای (ولو کم) عناصر پاک در میان مردم آن کشور باقی مانده باشند، در وجود انسان هم اگر عناصر مقدس و پاکی فی الجمله باقی باشند، انسان توفیق توبه پیدا می کند و الا هرگز توفیق توبه پیدا نمی کند. حالا در چه شرایطی انسان بازگشت می کند، پشیمان می شود و اگر خدا را بشناسد به سوی خدا توبه می کند و اگر خدا را نشناسد حالت دیگری پیدا می کند، احیانا جنون و دیوانگی پیدا می کند، وضع دیگری پیش می آید؟

گفتمیم توبه عکس العمل است. شما توبی را به دست می گیرید و به زمین می زنید.

توب از زمین بلند می شود. زدن شما یعنی حرکت توب به طرف زمین که با نیروی دست شما صورت می گیرد، عمل شماسست و بلند شدن توب از زمین عکس العملی است که در اثر خوردن توب به زمین پیدا می شود. پس آن عمل است و این عکس العمل، آن فعل است و این به اصطلاح اعراب امروز «ذال فعل»، آن کنش است و این واکنش.

توب را که شما به زمین می زنید چقدر بالا می رود؟ از یک طرف بستگی دارد به مقدار نیرویی که در آن فعل به کار می رود؛ یعنی شدت ضربه شما و از طرف دیگر بستگی دارد

به چگونگی سطح زمین؛ هر مقدار زمین سفت تر و صاف تر باشد و صلابت بیشتری داشته باشد، عکس العمل بیشتر می شود. پس میزان عکس العمل از یک طرف بستگی دارد به شدت عمل شما و از طرف دیگر به صلابت و صافی آن سطحی که توب به آن برخورد می کند. عکس العمل نشان دادن روح انسان در مقابل معاصی نیز بستگی به دو چیز دارد؛ از یک طرف بستگی دارد به شدت عمل یعنی

شدت معصیت، شدت ضربه ای که مقامات دانی روح شما بر مقامات عالی روح تان وارد می کند. هرچه معصیت انسان کمتر و کوچک تر باشد، عکس العمل کمتری در روح ایجاد می کند و هرچه معصیت بزرگ تر باشد، عکس العمل بیشتری به وجود می آورد. ولهذا افرادی که بسیار شقی و قسی القلب هستند، در عین این که شقی و قسی القلب اند اگر جنایت شان خیلی بزرگ و فاحش باشد، همان ها را هم می بینید که روح شان عکس العمل نشان می دهد.

شما می بینید خلیان آمریکایی که می رود آن بمب را روی هیروشیما می اندازد، بعد که بمری گردد و یک نگاهی به اثر عمل خودش می کند، می بیند یک شهر را به آتش کشیده است، پیر و جوان، زن و مرد، کوچک و بزرگ دارند در یک جهنم سوزان می سوزند. از همان جا وجدانش به جنبش می آید، حرکت می کند، ملامتش می کند (در صورتی که چنین کسانی را از میان قسی القلب ها انتخاب می کنند).

بمری گردد به کشور خودش، از او استقبال می کنند، گل به گردنش می اندازند. درجه اش را بالا می برند، حقوقش را زیاد می کنند، عکسش را در روزنامه ها می اندازند، تشویقش می کنند. اما خیانت آن قدر عظیم بوده است، معصیت

آن قدر بزرگ بوده است که وجدان چنین قسی القلبی را هم بیدار می کند؛ یعنی آن قدر ضربه بر روح شدید است که در یک چنین زمینه روحی آدم قسی القلبی هم باز عکس العمل پیدا می شود. همین آدم در مجالس که می نشینند تبسم می کند، نقل می کند چنین کردم و چنان، اما وقتی که با خود خلوت می کند، خودش را بخودش است، در بستر می خواهد بخوابد، یک مرتبه آن منظره در نظرش مجسم می شود؛ ای وای، این من بودم که چنین جنایتی کردم؟! ای وای، چه جنایت بزرگی مرتکب شدم! در نتیجه، همین آدم دیوانه می شود و کارش به تیمارستان می کشد، چرا! چون جنایت خیلی بزرگ بوده است. / بر گرفته از کتاب

آزادی معنوی، استاد شهید مرتضی مطهری

معرفت امام زمان (عج) و تکلیف منتظران

امیر علوی

چاردیواری

باتوجه به این که شوروشوق انتظار حضرت مهدی (عج) در سرتاسر ایران عزیزمان گسترش یافته و اشتیاق شناخت آن حضرت در میان همه اقشار مردم، به ویژه نسل جوان کشورمان دامن گستر است، نیاز به آثاری که از یک سو، بر اصول و مبانی پذیرفته شده و در دیدگاه کلامی تاریخی مبتنی بوده و موضوعات و مسائلی را که در این دیدگاه مورد توجه قرار گرفته است، با زبان و ادبیات روز و متناسب با نیازهای این زمان بررسی و تبیین کند و از سوی دیگر، با چارچوب ها و موازین مورد پذیرش دیدگاه فرهنگی اجتماعی هماهنگ بوده و باور مهدوی و فرهنگ انتظار را به عنوان حقیقتی جاری و ساری در عصر و جامعه ما مطرح سازد، بیش از هر زمان دیگری احساس می شود. از همین سبب بر همه نویسندگان و پژوهشگران واجب است که تمام توان خود را برای پاسخگویی به این نیاز به کار برند و آثار شایسته ای را تقدیم خیل منتظران حضرت صاحب الامر (عج) کنند. کتاب معرفت امام زمان با توجه به این مهم شکل گرفته و در آن سعی شده پاسخی درخور به شور و اشتیاق وصف نشدنی منتظران موعود برای آگاهی هر چه بیشتر از خصال و ویژگی های امام عصر (عج)، تاریخ عصر غیبت، تکالیف منتظران در عصر حاضر، چند و چون قیام و انقلاب رهایی بخش مهدی موعود، ویژگی های جهان پس از ظهور و... ارائه شود.

برشی از کتاب



در حقیقت ابراهیم شفیعی سروستانی با مورد توجه قرار دادن دو دسته به بررسی مباحث مختلف در این کتاب پرداخته است؛ اول، مباحث ناظر بر شناخت امام مهدی (عج) و ویژگی های آن حضرت به عنوان امام زمان و آخرین حجت خدا روی زمین؛ دوم مباحث ناظر بر شناخت، تکالیف و وظایف منتظران در عصر غیبت، در وجوه فردی و اجتماعی است. کتاب معرفت امام زمان سروستانی در هفت بخش سامان یافته است که عبارت اند از: ۱- زندگی و شخصیت امام مهدی (عج) ۲- معرفت امام زمان (عج) ۳- مبانی و کارکردهای انتظار ۴- ظهور و آخرالزمان، ۵- تعیین زمان برای ظهور ۶- جهان بعد از ظهور ۷- بایسته های گسترش فرهنگ مهدوی و جلوه های انتظار.

کتاب معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران نوشته ابراهیم شفیعی سروستانی به بررسی و شرح مبانی لازم برای فهم صحیح مهدویت و کارهایی که یک منتظر باید در انتظار امام زمانش انجام دهد سخن گفته است. اثر حاضر، دربردارنده مجموعه مقالاتی است که در طول سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ از سوی ابراهیم شفیعی سروستانی نوشته و منتشر شده است. بخش هایی از این کتاب نیز، چند سال قبل تحت عنوان «شناخت زندگی بخش» چاپ شده است. در بخشی از کتاب معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران می خوانیم:

یکی از پرسش های مطرح درباره غیبت امام عصر (عج) این است که چرا آن حضرت دو غیبت داشته است؛ یکی غیبت صغرا و دیگری غیبت کبرا؛ چرا از همان ابتدا، غیبت کبرا آغاز نشد و آن حضرت پس از یک دوره غیبت هفتاد ساله، غیبت کبرا را شروع کرد؟

در پاسخ این پرسش، باید گفت: غیبت آخرین امام معصوم (عج) در روایات پیش بینی شده بود، ولی زمانی که امام حسن عسکری (ع) به شهادت رسید، شیعیان به دلیل پیشینه ۲۵۰ ساله ای که از حضور یازده امام معصوم (ع) در جامعه داشتند، به راحتی نمی توانستند غیبت کامل امام از جامعه را بپذیرند. به همین دلیل، برخی شیعیان پس از شهادت آن حضرت تا مدتی دچار حیرت و سرگردانی شدند.

بنابراین، لازم بود قبل از آغاز غیبت کبرا و قطع کامل ارتباط امام با جامعه، برای مدتی، رابطه امام با مردم به واسطه نایبان خاص ادامه داشته باشد، تا مردم به تدریج، آماده پذیرش غیبت کامل امام و مراجعه به فقها به عنوان نایبان عام امام زمان (عج) شوند. به بیان دیگر، دوران غیبت صغرا، دوران تمرین و آماده سازی شیعیان برای ورود به دوران غیبت کبرا بود. در همین دوره، به تدریج، همه فرقه های پراکنده ای که پس از شهادت امام یازدهم در موضوع جانشینی آن حضرت به وجود آمده بودند، از میان رفتند و همه شیعیان بر پیروی از فرزند امام حسن عسکری (ع) به عنوان امام دوازدهم به وحدت و اتفاق نظر رسیدند.

فرزند صداقت و راستی، تولدت مبارک

معجزه جدّ مظلوم توسست و برای درامان ماندن وجود نازنینت و نیز زنده و پویا ماندن امانت جدت (قرآن کریم) تا همیشه تاریخ از عمق جان دعای امن یجیب... می خوانیم. می نشینیم و می نشانیم اشک شوق به امید آمدن روز تولدت تا بیشتر از پیش، بودنت را در عمق جان مان حس کنیم و به میمنت این روز بزرگ کام و دل مان را شاد و شیرین می کنیم به عطر صلوات بر وجود مهربانت. تا آنگاه که نفس در مادر آمد و شد است، نه فقط به امید رسیدن یک روز که تو بیایی و قدم بر چشمان مان بگذاری، بلکه تا همیشه به انتظار دیدنت و شنیدن صدای رسایت به انتظار می نشینیم و آمدنت را از خالق مان طلب می کنیم. تولد تو منحصر یک روز نیست؛ تو در هر صبح صادق که سر برون می آورد در دل های مان نمایان و متولد می شوی. خوش آمدی فرزند صداقت و راستی.

سلام آقا! سلام نور رحمانی؛ سلام بارقه امید در دل ها؛ سلام صلاله پاک رسول؛ سلام بقیه... فی الارض. قریب هزار و اندی

سال است که دوستان رانت چراغ انتظار روشن کرده اند به امید طلوع صبح ونجات از ظلمات و دیوترسناک و تنهایی شب. تا تو بیایی و این همه وعده های صواب که با آمدنت رنگ سرانجام خواهد گرفت، را محقق کنی. در کنار کورسوی روشنی چراغ امید به آمدنت، می نشینیم و پیوسته دعای اللهم عجل لولیک الفرج را زمزمه می کنیم تا شاید نصب شود و بشنویم از کنار دیوار خانه حضرت دوست صدای عالم گستر باقیه... را. می نشینیم در کنار آن نور و آن منیر راه زندگی مصحف قرآن که

مختار ایوبی

چاردیواری

